شهرآرا
۳شنبه
۳ شهریور ۱۴۰۵
۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
شماره ۴۸۴۰
SHAHRARANEWS.IR

مرگ راننده پراید در مجاورت بهشت رضا(ع)



جلائیان| ساعت ۵ بامداد روز گذشته، یک دستگاه خودروی پراید در کنارگذر جاده بهشت رضا(ع) از مسیر منحرف و واژگون شد. بر اثر برخورد شدید خودرو با فضای سبز حاشیه بهشت رضا(ع)، پراید به شدت آسیب دید و راننده در خودرو گرفتار شد. شهروندان بلافاصله با اورژانس و آتش نشانی تماس گرفتند و موضوع را اطلاع دادند. در پی این گزارش، نیروهای عملیاتی از ایستگاه ۹ به محل اعزام شدند؛ اما با وجود سرعت عمل امدادگران، پس از جداکردن قطعات خودرو مشخص شد راننده بر اثر شدت حادثه در دم جان باخته است. پیکر راننده توسط عوامل اورژانس به پزشکی قانونی منتقل شد.

تصادف اتوبوس با تپه خاکی



جلائیان| یک دستگاه اتوبوس مسافربری با انحراف از جاده با یک تپه در حاشیه جاده برخورد کرد. این سانحه صبح دیروز در حالی رقم خورد که این اتوبوس مسافربری در کیلومتر ۵۰ محور سبزوار به نیشابور در حرکت بود. اما حوالی ساعت ۵:۴۰ صبح به دلایلی نامشخص از جاده منحرف و با یک تپه خاکی برخورد شدیدی کرد. در پی اعلام این خبر، بلافاصله امدادگران هلال احمر به محل اعزام شدند. نیروهای پایگاه امداد و نجات شهید اصغری شهرستان فیروزه با آمبولانس به محل حادثه اعزام شدند. نیروهای امدادی پس از حضور در محل به خارج‌کردن مسافران زخمی از اتوبوس پرداختند و در ادامه پس از انجام اقدامات اولیه درمانی برای شانزده مسافر زخمی، چهارده نفر از مصدومان را به مراکز درمانی شهرهای اطراف منتقل کردند. علت بروز این حادثه در دست بررسی است.

۲ کشته در گردنه های درگز

جلائیان| برخورد شاخ به شاخ شاهین و تیبا در گردنه های محور درگز به قوچان دو کشته بر جای گذاشت. این حادثه در محدوده روستای شیخانلوی درگز در حالی رخ داد که دو دستگاه خودروی سواری با سرعت در حرکت بودند و پس از انحراف به چپ یکی از خودروها، با هم روبه رو شدند و برخورد کردند.

کشف ۱۱۶ تن مرغ منجمد بی نام و نشان

باشگاه خبرنگاران جوان| پلیس امنیت اقتصادی تهران از کشف ۱۱۶ تن مرغ منجمد برزیلی قاچاق در محدوده تهرانپارس خبر داد. در پی انجام اقدامات فنی و پلیسی و با استفاده از ظرفیت های اطلاعاتی، پلیس مشخص شد که یکی از سردخانه های محدوده تهرانپارس به محل نگهداری کالاهایی تبدیل شده که خارج از ضوابط قانونی و بدون ارائه اسناد و مدارک معتبر در آنجا نگهداری می شوند. مأموران پس از انجام اقدامات اطلاعاتی و اطمینان از صحت موضوع، محل مورد نظر را شناسایی و با هماهنگی های لازم، در یک عملیات غافل‌گیرانه وارد عمل شدند. در جریان این عملیات، مأموران ضمن بازرسی دقیق از سردخانه، موفق به کشف و توقیف حجم درخورتوجهی مرغ منجمد شدند که بررسی های اولیه نشان داد این کالاها قاچاق بوده و برای نگهداری و عرضه آن ها هیچ‌گونه اسناد و مدارک قانونی ارائه نشده است.

مدفون شدن ده ها نفر در محل دفن زباله

تابناک| در رانش زمین در محل دفن زباله در دارالسلام در حومه کوناکری، پایتخت گینه، حداقل سی نفر کشته و چندین نفر دیگر زخمی شدند. این حادثه حدود ساعت ۳ بامداد به وقت محلی پس از باران شدیدی که کوناکری را درنوردید، رخ داد. این حادثه در حالی رخ داد که توده بزرگی از زباله بر روی بخشی از مناطق اطراف فرو ریخت و چندین نفر مدفون شدند و خسارات مالی درخورتوجهی به بار آمد. این رانش زمین ناشی از ریزش توده بزرگی از زباله های خانگی بود که طی چندین سال پس از باران های شدید در محل انباشته شده بود.

فرار آمریکایی ها از آتش

خبرگزاری جوان| آتش سوزی در آمریکا ۹۰ هزار نفر را مجبور به فرار کرد. پس ازگسترش آتش سوزی در نوادا و سوختن بیش از ۱۵ هزار هکتار از اراضی این ایالت، مقامات آمریکایی مجبور به صدور هشدار تخلیه فوری شدند. با نزدیک شدن شعله های این آتش سوزی به شهر رینو و مناطق مسکونی اطراف، نزدیک به ۹۰ هزار نفر مجبور به ترک خانه های خود یا آماده شدن برای تخلیه شدند. مقامات آمریکایی گزارش دادند که با ادامه گسترش آتش سوزی، به ۴۲ هزار نفر دستور تخلیه فوری داده شده است، در حالی که به ۴۵ هزار نفر دیگر گفته شده است که آماده ترک خانه هایشان در هر زمانی باشند. تاکنون حداقل شش نفر، از جمله سه آتش نشان و امدادگر در این آتش سوزی زخمی شده اند.

تعقیب و گریز هالیوودی پلیس با سارقانی که فقط زبان گلوله را می فهمیدند

انهدام باند سرقت خودرو با یدک‌کش

گزارش

محمدجواد ابوعطا

حدودا ساعت ۳:۳۰ بامداد بود که صدای فریاد «ایست» پلیس که در تعقیب یک خودروی پژو ۴۰۵ بود، معدود خودروهای درحال تردد در خیابان های خالی شهر را متوجه موضوع کرد. این رانندگان بلافاصله کنار کشیدند تا اتفاقی برایشان نیفتد. این عملیات که شبیه سکانسی از فیلم های پلیسی هالیوودی بود، از منطقه قاسم‌آباد شروع شد و در اطراف پل آزادگان که سرنشینان پژو شروع به انداختن لوازمی به سمت خودروی پلیس کردند، به اوج خود رسید. راننده خودروی پلیس کلانتری قاسم‌آباد با مهارتی مثال زدنی این موانع متحرک را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت، اما اجازه نداد که خودروی سارقان از میدان دیدش خارج شود. این عملیات از بولوار وکیل آباد به احمدآباد کشانده شد و نه خودروی سارقان قصد ایستادن داشت و نه پلیس اجازه فرار به آن ها می داد. با نزدیکی به میدان شریعتی بود که مأموران با قانون به‌کارگیری سلاح اقدام به شلیک های هوایی کردند تا هشدار لازم را به متهمان بدهند، بعد از آن نیز هر دو لاستیک عقب خودروی متهمان هدف قرار گرفت و سارقان وادار به توقف شدند. هم زمان با ایستادن خودرو سه متهم پیاده شدند و به جهت های مختلف گریختند که یکی از آن ها دستگیر و دیگری با شلیک گلوله به پایش زمین‌گیر شد و متهم سوم توانست با رساندن خودش به کوچه های تاریک و خلوت شهر بگریزد.

ماجرای این پرونده از گشت زنی افسران کلانتری قاسم آباد در این منطقه آغاز شد. آن ها در حال عبور از یکی از بولوارهای خلوت غرب مشهد، متوجه یک پژو ۴۰۵ شدند که سه سرنشین مرد داشت. حرکات این افراد مشکوک بود؛ موضوعی که سبب شد افسران بلافاصله اقدام به استعلام پلاک خودرو کنند. هنوز لحظاتی نگذشته بود که جواب استعلام رسید و مشخص شد که این خودرو سرقتی است.

افسران گشت بلافاصله موضوع را با سرهنگ محمد زنگنه، رئیس کلانتری قاسم آباد، در میان گذاشتند و دستورات ویژه‌ای برای متوقف‌کردن این خودرو دریافت کردند، اما به محض صدور دستور «ایست»، راننده با فشردن پدال گاز تلاش کرد از مقابل پلیس بگریزد.

متهمان همچنین با انداختن چند لاستیک و رینگ به همراه تعدادی دیگر از لوازم خودرو تلاش کردند پلیس را از صرافت تعقیب بیندازند، اما پایان این تعقیب و گریز چنده‌کیلومتری برای متهمان خوش نبود.

انتقال به بیمارستان و کلانتری

با متوقف‌کردن خودرو و دستگیری دو متهم، یکی از آن ها با هویت «امین.ب» که گلوله خورده بود، تحت الحفظ به بیمارستان امدادی و متهم بعدی با هویت «امیر.ص» به کلانتری منتقل شد.

هم زمان در بازرسی از خودرو مقدار زیادی لوازم داخلی خودرو، ابزارآلات سرقت و انواع کلیدهای کامپیوتری و ساده خودرو کشف شد. هم زمان مشخص شد که پلاک نصب شده روی خودروی پژو ۴۰۵ خاکستری، متعلق به خودروی پژو ۴۰۵ نقره‌ای بوده است که متهمان برای ردگم‌کنی روی این خودرو بسته‌اند.

کشف تصاویر خاص از گوشی متهم

با انتقال امیر به کلانتری و آغاز بازجویی های فنی، او مدعی شد که رفیق «امین» (فرد گلوله خورده) است و متهم دیگر رفیق امین بوده و او اصلا تا کنون او را ندیده است و فقط می داند او را «وحید» صدا می زده‌اند. این مرد چهل و پنج ساله که معتاد و سابقه دار است، ادعا کرد که از وسایل سرقتی درون خودرو و همچنین سرقتی بودن خودرو اطلاعی نداشته است و همان شب امین برای کاری به سراغ او آمده و سوار خودروی آن ها شده است.

این اظهارات در حالی ارائه شد که مأموران اعلام کردند در طول عملیات تعقیب و گریز، او بوده که وسایل را از شیشه جلوی پژو ۴۰۵ مقابل خودروی پلیس می انداخته است؛ اتهامی که این فرد آن را نپذیرفت و مدعی بود که وحید این کار را کرده است.

تصویری که متهم را لو داد

با وجود انکارهای سریالی متهم که می خواست خودش را از همه جرائم مبرا نشان دهد، مأموران با هماهنگی قضایی اقدام به بررسی محتوای گوشی این فرد کردند. افسران کلانتری قاسم آباد در گالری تصاویر گوشی متهم به سرقت، تصاویری از او یافتند که نشان می داد جلوی یک کامیون یدک‌کش ایستاده و عکس یادگاری گرفته که همان خودروی سرقتی روی خودروی باری یدک شده است.

در ادامه پلیس با تحقیقات فنی و میدانی خود متوجه شد که این فرد و همدستانش با نشان گذاشتن روی خودروهای مردم در نقاط مختلف شهر، شبانه این خودروها را با خودروی یدک‌کش بکسل و با انتقال به نقطه ای دیگر قطعات خودروها را سرقت و لاشه آن ها را در معابر نقاط دیگر شهر رها می‌کرده‌اند.

این افراد همچنین با سرقت پلاک برخی خودروها، آن ها را روی خودروهای سرقتی دیگر نصب می‌کردند تا پلیس به آن ها مشکوک نشود.

تحقیقات درباره این پرونده و شناسایی مال باختگان و همچنین شناسایی و دستگیری متهم فراری ادامه دارد.



عکس: اختصاصی شهرآرا

ماجرای زنی که برای بازگرداندن شوهرش به زندگی مشترک، دست‌به‌دامان پلیس شد

نگاه بدبینانه زن، زندگی مشترک او را نابود کرد

گزارش جیبی

سعید جلائیان| زن جوانی با مراجعه به کلانتری شهرک فراجا، از یکی از افسران پرسید: «چطور می توانم از فردی شکایت کنم؟» و وقتی افسر پرسید که چه شکایتی دارید، زیر گریه زد و در حالی که اشک می ریخت، گفت: می خواهد از همسرش به دلیل رهاکردن و خیانت شکایت کند. پس از این حرف، زن تا چند دقیقه نتوانست حرف دیگری بزند. او روی صندلی نشست و همین طور به گریه کردن ادامه داد تا اینکه سرهنگ آرش ایرانمنش، رئیس کلانتری شهرک فراجا، پس از شنیدن ماجرا و مشاهده وضعیت این زن، با صدور دستوری، رئیس دایره مددکاری و مشاوره کلانتری را مسئول رسیدگی و کمک به این مراجعه‌کننده کرد. پس از صدور این دستور، زن جوان که ظاهری آشفته و ناراحت داشت، به دایره مددکاری و مشاوره رفت. او وقتی روبه روی خود یک زن را دید، اندکی آرام شد، نشست و گفت: «نام من نسرین است و خوشحالم که می توانم با یک زن حرف بزنم، چون مردها احساسات یک زن را درک نمی‌کنند.» این زن منتظر پاسخ نشد و ادامه داد: «خانم، من در چهارده سالگی ازدواج کردم و در ۲۹ سالگی جدا شدم. جوانی من بعد از آن برای بزرگ‌کردن پسرم گذشت. او الان ۲۵ ساله است و می خواهد با یک دختر ازدواج کند و با ازدواج کردن او من تنها می شوم. با همین فکر هم بود که با مردی به نام امیر آشنا شدم. او گفت دوستم دارد. پنج ماه در برابر او مقاومت کردم و وقتی دلبسته اش شدم، رهایم کرد و به من خیانت کرد. این رفتارها سبب افسردگی شدید من شده است، تا جایی که به خودکشی هم فکر می‌کنم.» پس از ثبت اظهارات اولیه، مأموران برای دعوت از «امیر» به مقر پلیس با او تماس گرفتند. این مرد پس از شنیدن ماجرای مراجعه نسرین به کلانتری، با عصبانیت زیاد مدعی شد که این زن او را آزار داده و اذیت کرده است. او مدعی شد به خاطر رفتارهای نسرین در این مدت احساس امنیت نمی‌کند و حتی به فکر تغییر محل کار و سکونت خود افتاده است.

با توجه به مغایرت شدید میان روایت های دو طرف، زهره سادات جهانیار، رئیس دایره مددکاری و مشاوره کلانتری شهرک فراجا، نخستین جلسه را جداگانه با امیر برگزار کرد تا در صورت امکان، این زوج را به سازش برساند. امیر پس از حضور در مقر پلیس، در دایره مددکاری و مشاوره نشست و گفت: «دو سال قبل، این خانم و پسرش وارد مغازه من شدند. آن ها برای خانه جدیدی که اجاره کرده بودند مقداری وسیله انتخاب و خرید را به روز بعد موکول کردند. فردای آن روز نسرین تنها آمد و روزهای بعد هم برای بردن وسایل مراجعه کرد. نسرین راست گفته است که من با او تماس گرفته‌ام و پیشنهاد ازدواج داده‌ام. او در واکنش پنج ماه از من فرصت خواست و بعد گفت که نمی خواهد برای پسرش ناپدری بیاورد؛ به همین خاطر صبر می‌کند تا پسرش سر و سامان بگیرد. پس از چند جلسه ملاقات سرانجام ما تصمیم گرفتیم فعلا عقد موقت کنیم تا وقتی پسر نسرین ازدواج کند و همه چیز را بعد از آن رسمی کنیم.»

کلافگی مرد از نظارت‌های همسر

امیر ادامه داد: «پس از عقد ما رابطه خوبی برقرار کردیم. من پسر نسرین را مثل پسر خودم می دانستم و با او نیز رابطه ام صمیمی بود و بارها به صورت خانوادگی بیرون رفتیم. مدتی پس از عقد تازه متوجه شدم نسرین به خاطر خیانت شوهر سابقش از او جدا شده است. به همین دلیل روی من نظارت عجیبی داشت. حتی گاهی وارد مغازه می شد و وقتی می دید با یک مشتری خانم صحبت می‌کنم، رفتار بدی از خود نشان می داد. همه رفتارهای نسرین را تحمل کردم تا اینکه او من را کنار خواهرم دید؛ همان جا بود که آبروی من را به طور کامل برد. او نمی دانست آن دختر خواهر من است و وقتی وارد مغازه شد، کارهایی کرد که من تصورش را هم نمی‌کردم. با این کارها نسرین از چشم من افتاد. من متوجه شدم که در انتخاب او اشتباه کرده بوده‌ام و دیگر احساسی به این زن ندارم. وقتی موضوع را به نسرین گفتم، ابتدا با خونسردی پذیرفت و حتی از قطع رابطه با خنده استقبال کرد. ما قطع رابطه کردیم اما پس از ۲۴ ساعت نسرین شروع به زنگ زدن و ارسال پیامک کرد.»

او افزود: «نسرین پشت سرهم زنگ می زد و پیام می داد. روزهای اول جوابش را می دادم تا رابطه را به خوبی تمام کنیم، اما وقتی دیدم درکنار درخواست بازگشت، توهین و حتی تهدید می‌کند، بیشتر از قبل از چشمم افتاد. اگر کمی تردید داشتم که برگردم، با این رفتارهای عجیب از او دل کندم. پس از اینکه دو روز شماره اش را مسدود کردم، متوجه شدم در خیابان تعقیبم می‌کند. بارها بیرون مغازه کمین کرد تا ببیند من به خاطر چه کسی رابطه‌ام را با او قطع کرده‌ام. آن قدر در این مدت اذیتم کرد که از او می ترسم. مدام در خیابان فکر می‌کنم یک نفر تعقیبم می‌کند.»

دل کندن دشوار نسرین از امیر

پس از امیر، نوبت به نسرین رسید که روایت خود را دوباره بازگو کند. او گفت: «وقتی امیر پیشنهاد ازدواج داد، ماجرا را به پسرم گفتم. پسرم گفت: مادر، تو خودت را وقف من کرده‌ای و حق داری زندگی کنی. با این حرف ها به امیر پاسخ مثبت دادم و وارد رابطه شدیم. زمان ازدواج اولم من بچه بودم و هیچ چیزی درباره ازدواج و عشق نمی دانستم. من برای اولین بار در زندگی بود که عاشق می شدم و به همین دلیل است که به امیر دلبسته‌ام. من امیر را دوست دارم و بدون او نمی توانم به این زندگی ادامه دهم.»

پس از ثبت اظهارات دو طرف، جلسه دیگری با امیر برگزار شد. امیر هرچند در جریان ترس های نسرین قرار گرفت، در پایان گفت دیگر دیر شده است. او در جلسه مشاوره مشترک آب پاکی را روی دست نسرین ریخت و گفت می خواهد به زودی با دختر دیگری ازدواج کند. پس از این صحبت، امیر به درخواست مشاور، جلسه را ادامه داد تا نسرین بتواند با او خداحافظی کند. نسرین پس از خداحافظی با امیر از جلسه خارج شد. با توجه به احتمال اینکه نسرین هنوز افکار خودکشی را پنهان کرده باشد، در جلسه ماند و مشاوره تخصصی اش حدود دو ساعت دیگر ادامه یافت. هرچند دیگر نشانه ای از افکار خودکشی در نسرین دیده نمی شد، قول داد در جلسات مشاوره حضور پیدا کند و جلسات ورزشی را که پیش از این در محدوده منزلش می رفت، دوباره از سر بگیرد.

جدول ۴۶۳۴

